بررسی رابطهٔ صمیمیت، بخشش و خودافشایی با رضایت زناشویی در بین معلمان متأهل

محمد منصوری[۱]
دکتر ناصر سراج خرمی[۲]
دکتر حسن حیدری[۳]

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطهٔ صمیمیت، بخشش و خودافشایی با رضایت زناشویی در بین معلمان آموزش و پرورش بخش شاوور از توابع شهرستان شوش صورت گرفته است. جامعهٔ آماری شامل کلیهٔ معلمان متأهل آموزش و پرورش شاوور، در سال ۹۲، به تعداد ۱۱۰۰ نفر بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۸۵ نفر (۱۸۴مرد و ۱۰۱ زن) از میان آنها برای نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامهٔ صمیمیت زناشویی، پرسشنامهٔ سنجش بخشش در خانواده، پرسشنامهٔ خودافشایی زناشویی و مقیاس رضایت زناشویی استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌ها در فرضیهٔ اول تا سوم از روش ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی فرضیهٔ چهارم از روش ضریب رگرسیون چندگانه بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که بین صمیمیت با رضایت زناشویی (r=۰/۴۰۵)، بخشش با رضایت زناشویی (r = ۰/۳۲۲) و خودافشایی با رضایت زناشویی(r= ۰/۲۳۷) در سطح p<۰/۰۱ رابطهٔ معناداری وجود دارد.

کلید واژگان: صمیمیت، بخشش، خودافشایی، رضایت زناشویی

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۴/۲۹

۱. کارشناس ارشد مشاوره خانواده (نویسنده مسئول) mohammadmansori629@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد دزفول
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد علوم تحقیقات خمین

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

مقدمه

موضوع خانواده، یکی از مهمترین موضوعات در مشاوره و روان‌شناسی است. خانواده برای افراد مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا بدون وجود خانواده در هر شکل و صورتی که باشد، مفهوم زندگی و حیات انسانی مصداق بارزی نخواهد داشت. مفهوم خانواده و ارزش این نهاد اجتماعی برای هر جامعه‌ای اساس کار تلقی می‌شود و هر جامعه‌ای متناسب با ارزشهای خود ابتدا خانواده را کانون توجه خود قرار می‌دهد، تا از درون آن، شهروندان آیندهٔ خویش را بپروراند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که جامعه به سبب تحولات ساختاری و زیربنایی به شهروندانی جدید با شیوهٔ فکری نو نیاز داشته باشد. به همین دلیل است که خانواده یکی از اولین نهادهایی است که در جامعه باید تغییر کند و تغییری در آن حاصل نخواهد شد مگر از طریق درک و شناخت علمی از کارکردها و بدکاری‌های آن (گلدنبرگ و گلدنبرگ[1]، ۲۰۰۰، ترجمهٔ شاهی‌برواتی، نقشبندی و ارجمند، ۱۳۸۳).

ازدواج هستهٔ اصلی خانواده را تشکیل می‌دهد و به دنبال آن زوجهای سالم خانواده‌های سالم و خانواده‌های سالم جامعهٔ سالم را تشکیل می‌دهند (نظری، ۱۳۸۹).

آنچه در ازدواج بیش از هر چیز مهم است، سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج است و رضایت زناشویی به میزان تأمین نیازها و آرزوهای همسران توسط یکدیگر بستگی دارد (پلگ[2]، ۲۰۰۸). همچنین شکلفورد و باس[3] (۱۹۹۹) معتقدند که رضایت زناشویی حالتی روان‌شناختی است که در نتیجهٔ تعادل بین مکانیزمهای سرمایه‌گذاری و بهره‌وری در یک ازدواج برای شخص خاص حاصل می‌شود.

قرآن هدف و فلسفهٔ ازدواج را آرامش، مودت و مهربانی می‌داند «و از آیات الهی است که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا با ایشان آرامش یابید و در میان شما مودت و مهربانی برقرار ساخت» (روم/۲۱).

یکی از عواملی که می‌تواند بر رضایت زناشویی مؤثر باشد صمیمیت است. صمیمیت توانایی ارتباط با دیگران با حفظ فردیت تعریف می‌شود. این گونه تعاریف مبتنی بر خویشتن، حاکی از آن است که فرد به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطهٔ صمیمانه برقرار کند. صمیمیت را به عنوان توانایی «شناخت خود» در حضور دیگران دانست که خودآگاهی و رشد

1. Goldenberg & Goldenberg
2. Peleg
3. Shakelford & Buss

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

هویت، برای ظرفیت قابلیت شخص در جهت صمیمیت، بسیار ضروری است. رابطهٔ صمیمیانه به عنوان جنبه‌ای مهم از زندگی زناشویی، تاریخی طولانی دارد، و تلاش برای طبقه‌بندی آن به زمان ارسطو بازمی‌گردد و امروزه بخشی از دانش موجود در این زمینه، مشاهدات وی را تأیید می‌کند، اما مطالعهٔ علمی دربارهٔ آن از دههٔ ۱۹۹۰ آغاز شده است و با مطرح شدن موضوعی مانند روابط بین‌فردی[1] در روان‌شناسی خانواده و مهم قلمداد کردن آن در روابط صمیمی بین زن و شوهر، این نوع رابطه جایگاه و معنایی خاص در زندگی زناشویی یافته است؛ به گونه‌ای که در نظریه‌پردازی‌ها دربارهٔ خانواده، به اهمیت پیوند صمیمانه میان همسران تأکید و برای ایجاد هویت خانوادگی مطمئن لازم دانسته می‌شود. صمیمیت، با ایجاد بعد خاص و مثبت در زندگی زناشویی و تأمین بهداشت روانی اعضای خانواده، عاملی محافظت‌کننده و نیرومند در برابر مشکلات فردی و اجتماعی است، از این لحاظ بر صمیمیت بین زن و شوهر در خانواده تأکید می‌شود (خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷).

توانایی برقراری روابط صمیمانه با دیگران، یکی از عوامل کلیدی در سلامت و بهزیستی روانی[2] افراد بزرگسال به شمار می‌رود (نولر، فینی و پترسون[3]، ۲۰۰۱؛ به نقل از دانشورپور، تاجیک اسمعیلی، شهرآرای، فرزاد و شکری، ۱۳۸۶). همچنین وجود صمیمیت بین زوجها باعث غنی شدن زندگی زناشویی می‌شود (اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی، ۱۳۸۵).

هنگامی که در ازدواج شرایط مناسبی حکم‌فرماست، فرایند صمیمیت، خود را آشکار می‌سازد؛ همچنان که فقدان صمیمیت نشان‌دهندهٔ جوی نامطلوب همراه با اختلال است (لارنسو، بارِت و روین[4]، ۲۰۰۵). بنابراین، صمیمیت بین زوجها در ازدواج باارزش است؛ زیرا تعهد زوجها نسبت به ثبات ارتباط را محکم می‌کند و به طور مثبتی با سازگاری و رضایت زناشویی همراه است (هلر و وود[5]، ۱۹۹۸). هنگامی که کانون خانواده دربرگیرندهٔ محیط سالم و روابط گرم و تعامل صمیمانهٔ بین‌فردی باشد، می‌تواند موجب رشد و پیشرفت اعضای خانواده شود (کمپل[6]، ۲۰۰۳).

ظهیری (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان داد که بین صمیمیت و رضایت زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی نشان دادند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد.

1. Interpersonal relationships
2. Mental health and well-being
3. Noller, Feeney & Peterson
4. Laurenceau, Barrett & Rovine
5. Heller & Wood
6. Campbell

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

احمدی، نوابی‌نژاد، اعتمادی و فرزاد (۱۳۸۵) در پژوهشی مشاهده کردند که میان کاربرد تکنیکهای مبتنی بر نظریهٔ شناختی–رفتاری و میزان صمیمیت زوجین به‌ویژه صمیمیت عاطفی و جنسی رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد.

اولیاء و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی مشاهده کردند بین آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی و افزایش صمیمیت رابطه وجود دارد.

ایکرت[1] (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رابطهٔ میان صمیمیت، نشانه‌های افسردگی و رضایت زناشویی پرداخت. نمونهٔ تحقیق شامل ۴۱ زوج بود و نتایج نشان داد که صمیمیت رابطهٔ معناداری با میزان رضایت زناشویی دارد.

سیمونلی[2] و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی رابطهٔ مسئولیت با صمیمیت و رضایت زناشویی پرداختند. نمونه شامل ۵۰ زوج بود و یافته‌ها بیان کرد که میان صمیمیت و رضایت زناشویی میان گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد.

در پژوهشی که بر روی زوجین اجرا شد، مشاهده شد که رابطهٔ مستقیمی بین صمیمیت همسران و رضایت زناشویی وجود دارد (اسچایفر و اولسون، ۱۹۸۱؛ تالستد و استاکز[3]، ۱۹۸۳، به نقل از گریف و مالهرب[4]، ۲۰۰۱). همچنین در تحقیق دیگری این نتیجه به دست آمد که افزایش صمیمیت بین همسران تأثیر مثبتی بر رضایت زناشویی دارد (داندنیو و جانسون[5]، ۱۹۹۴) به نقل از گریف و مالهرب، ۲۰۰۱).

آوربک، کمپ و اینگلز[6] (۲۰۰۷ ؛ به نقل از ظهیری ،۱۳۹۰) مؤلفه‌های عشق (صمیمیت، هوس و تعهد) در رابطهٔ عاشقانه را بررسی کردند. آنها دریافتند که بین صمیمیت و رضایت از رابطه، ارتباط وجود دارد.

کرافورد، آنگر و بلوم[7] (۲۰۰۶، به نقل از خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷) در مطالعه‌ای مشاهده کردند که صمیمیت در میان زوجهای متأهل، عامل مهم ایجاد ازدواجهای پایدار است و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی می‌شود.

1. Eckert, R. M.
2. Simonelli
3. Tolstedt & Stokes
4. Greeff & Malherbe
5. Dandeneau & Johnson
6. Overbeak, Kemp & Engels
7. Crawford, Unger & Blume

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

کربای، باکوم و پیترمن[1] (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که نیاز صمیمیت برآورده‌نشده در روابط زناشویی رضایت کلی از رابطه را نیز خدشه‌دار می‌کند.

سالاس و کتزنبرگر[2] (۲۰۰۴، به نقل از احمدی، ۱۳۸۷) در بررسی تفاوتهای جنسیتی در سطح صمیمیت و پیش‌بینی صمیمیت همسر، زنان سطح بالاتری از صمیمیت را نشان دادند و بهتر از مردان احساسهای همسرشان را پیش‌بینی کردند.

جاکوبوسکی و ماین[3] (۲۰۰۴) در یک مطالعه مشاهده کردند که آموزش مهارتهای برقراری ارتباط صمیمانه بین زوجها می‌تواند در کاهش اضطراب، افزایش سازگاری زناشویی و افزایش صمیمیت آنها مفید باشد.

برانت[4] (۲۰۰۳، به نقل از موحدی، ۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داد رابطهٔ غیرمستقیمی بین ازدواجهایی که از صمیمیت معنوی برخوردارند و افزایش رضایتمندی زناشویی وجود دارد.

گریف و مالهرب (۲۰۰۱) در مطالعه رابطهٔ بین صمیمیت و رضایت زناشویی در بین زوجین، مشاهده کردند که بین همهٔ مؤلفه‌های تجربه‌شدهٔ صمیمیت (صمیمیت عاطفی، صمیمیت اجتماعی، صمیمیت جنسی، صمیمیت تفریحی و صمیمیت شناختی) و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

دورانا[5] (۱۹۹۸) در پژوهشی نشان داد که آموزش و افزایش صمیمیت باعث افزایش سازگاری و رضایت زناشویی و نیز کاهش تعارض و ناشادی در آنها می‌شود.

هلر و وود (۱۹۹۸) مشاهده کردند که صمیمیت در ازدواج رابطهٔ مثبتی با سازگاری و رضایت زناشویی دارد. برلسون و دنتون[6] (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای دریافتند که صمیمیت تابعی از میزان تعارض زناشویی و میزان احساسهای مثبت زوجها نسبت به یکدیگر است.

پاتریک، سلز، گیوردانو و تالراد[7] (۲۰۰۷) نشان دادند صمیمیت و حمایت همسران از متغیرهای قوی در پیش‌بینی رضایت زناشویی هستند. همچنین تالستد و استاکز (۱۹۸۳، به نقل از گریف و مالهرب، ۲۰۰۱) مشاهده کردند که رابطهٔ مستقیمی بین صمیمیت همسران و رضایت زناشویی وجود دارد.

1. Kirby, Baucom & Peterman
2. Salas & Ketzenberger
3. Jocoboski & Mine
4. Brandt
5. Durrana
6. Burleson & Denton
7. Patrick, Sells, Giordano & Tollerud

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

کرافورد، آنگر و بلوم (۲۰۰۶، به نقل از خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷) مشاهده کردند که صمیمیت در میان زوجهای متأهل، عامل مهم ایجاد ازدواجهای پایدار است و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی می‌شود.

در روابط زناشویی عوامل متعددی باعث رضایت همسران از یکدیگر می‌شود. بخشودگی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رضایت زناشویی محسوب می‌شود. بخشودگی به شکلهای مختلفی تعریف شده است. در یکی از معتبرترین تعاریف بخشودگی به عنوان «تغییر میان فردی و اجتماعی مثبت در مقابل خطایی که در حوضهٔ میان‌فردی قرار دارد» بیان شده است (آلمند[1]، امبرگ[2]، زیمپریچ[3] و فینچام[4]، ۲۰۰۷؛ فینچام، هال[5] و بیچ[6]، ۲۰۰۶ ؛ ورتینگتون و وید[7] ، ۱۹۹۹). این تعریف به تغییراتی اطلاق می‌شود که می‌تواند تنها دربرگیرندهٔ کاستن از احساسات منفی یا دربرگیرندهٔ کاهش احساسات منفی همراه با افزایش احساسات مثبت باشد و هر دو صورت این تغییر یک تغییر مثبت اجتماعی است که هدفش ایجاد تعاملات اجتماعی مثبت‌تر است. بخشودگی به معنای لزوم بازگشت به روابط قبلی با فرد خطاکار نیست بلکه به این معناست که فرد خطاکار باید به میزانی از تغییر دست یابد تا بخشوده شود (باکوس،[8] ۲۰۰۹).

پژوهشها حاکی از آن هستند که بخشودگی با کیفیت بالای روابط زناشویی همراه است. هنگامی که فرد قادر به بخشش باشد، رابطهٔ میان هتک حرمت و کیفیت رابطهٔ زناشویی و رضایت زناشویی ضعیف تعدیل می‌شود (ماگیار،[9] ۲۰۰۶). افرادی که همسر خود را بخشوده‌اند رابطهٔ زناشویی خود را مقدس‌تر از گذشته ارزیابی می‌کنند. هتک حرمت می‌تواند تأثیرات منفی بر روابط و رضایت زناشویی و همچنین بر فرد و خانواده داشته باشد. توانایی بخشش همسر می‌تواند به عامل پابرجایی روابط و افزایش رضایت زناشویی منجر شود (باکوس، ۲۰۰۹).

ستیر (۱۹۸۷ به نقل از باقری ،۱۳۸۹) بیان کرد ایجاد رابطه مسابقه نیست، که در آن پیروز شوی و تمام عمر با خوشحالی زندگی کنی، وسیله‌ای است که با آن می‌توان یک رابطهٔ صادقانه و صمیمی برقرار ساخت و مثل یک انسان واقعی جنبه‌های انسانی را با دیگران تلفیق کرد. ایجاد

1. Allmand
2. Amberg
3. Zimprich
4. Fincham
5. Hall
6 . Bich
7. Worthington & Wade
8. Backus
9. Magyar

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

رابطه دستاویزی است که عزت نفس را رشد می‌دهد و ارتباط را با خود و دیگران تقویت می‌کند و اما توانایی انسان برای ایجاد و حفظ روابطی که خودش و دیگران را تقویت کند تا حدودی به توانایی وی در بخشوده شدن خود و دیگران بستگی دارد؛ چرا که رنجشها، دلخوریها، عادتهای مخرب و هر چیز دیگری که به نبخشودن و با گذشته صلح نکردن مربوط می‌شود مانع اصلی بر سر راه رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه است. دیگران را که باعث رنجش شده‌اند می‌بخشاییم نه برای اینکه در حق آنها لطفی بکنیم؛ بلکه از آن رو تألمات ناشی از آن حوادث ناخوشایند گذشته را فراموش می‌کنیم که به زندگی شاد برسیم. با بخشودن می‌توانید زندگی خود را از نو بیافرینید. می‌توانید با عزت نفس، دوباره به آرامشی که بدان احتیاج دارید برسید.

بخشودگی زمانی مطرح می‌شود که عضوی از خانواده با عمل یا سخن خود موجب نارضایتی و آزار می‌شود. در این باره ورثینگتون (۱۹۹۸) می‌نویسد که اعضای خانواده نمی‌توانند بدون اینکه گاهی مواقع و شاید هم اغلب اوقات یکدیگر را بیازارند با هم زندگی کنند. این امر بدان معنی است که در روابط خانوادگی وجود تعارض، دل‌آزاری، و رنجش‌خاطر اجتناب‌ناپذیر است. آنچه روابط خانوادگی دشوار یا مشکل را از روابط خانوادگی غیردشوار متمایز می‌کند بود یا نبود صدمه یا آسیب نیست بلکه خواستن یا حتی اشتیاق اقرار به آزردن فرد متألم، رنجیده و نبخشودن خود خاطی است که صدمه‌ای به وی وارد شده است.

غفور (۱۳۸۸، به نقل از باقری، ۱۳۸۹) به بررسی بعد معنویت خانواده پرداخته است. برای این منظور از روش بخشودگی مبتنی بر درمانهای معنوی – مذهبی استفاده شد. نتیجهٔ تحقیق نشان داد که بین استفاده از روش بخشودگی مبتنی بر درمان‌های معنوی – مذهبی و افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات خانواده و ارتقای عملکرد سالم خانواده رابطهٔ معناداری وجود دارد.

افخمی، فاتحی زاده و بهرامی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به بررسی رابطهٔ میان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد پرداخته‌اند. آزمودنی‌ها شامل ۳۰ زن و شوهر بود. یافته‌ها نشان داد که بین بخشودگی و تعارض زناشویی در خرده‌مقیاس درک واقع‌بینانه، تشخیص و تصدیق خطا و جبران عمل اشتباه رابطهٔ معنادار وجود دارد.

حمید (۱۳۸۴، به نقل از باقری، ۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان بررسی و مقایسه منبع کنترل، سلامت روانی، بخشودگی با رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و شاغل شهر اهواز و مطالعات اثرات روان‌درمانی شناخت رفتاری بر رضایت زناشویی زنان متقاضی طلاق به این نتیجه رسید که بین گذشت (بخشودگی) و رضایت زناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

تسه و ییپ[1] (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند که عوامل بخشودگی به صورت معناداری با رضایت زناشویی رابطه دارند.

مالتبی[2] و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی پی بردند که بین مردان و زنان در متغیرهای شخصیت و سلامت روان با توجه به متغیر بخشودن دیگران تفاوت معناداری وجود دارد.

میلر[3] و ورتینگتون (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی رابطه میان جنسیت، رضایت زناشویی، بخشودگی زناشویی و سلامت روان پرداختند. جامعه شامل ۳۱۱ زوج متأهل بود. نتایج نشان داد که رضایت زناشویی رابطه مثبت معنی‌داری با بخشودگی زناشویی نشان داد. نتایج همچنین حاکی از آن بود که بخشودگی بهترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است.

فینچام، پالری، رکالیا[4] (۲۰۰۹) تحقیقی را تحت عنوان سنجش مقیاس بخشودگی تقصیر در رضایت زناشویی انجام دادند. سه مطالعه بررسی نمونه ۳۲۸ زوج انجام گرفت. آنان دریافتند که رابطه معناداری بین ابعاد بخشودگی با رضایت زناشویی در یک دوره ۶ ماهه وجود داشت.

گوردون و باکوم (۲۰۰۳) در تحقیقی رابطهٔ میان رضایت زناشویی، عملکرد خانواده و بخشودگی خیانت را مورد ارزیابی قرار دارند. نمونه در بر گیرندهٔ ۸۷ زن و ۷۴ مرد متأهل بود. در نهایت یافته‌ها نشان داد که بخشش خیانت در روابط زناشویی به طور معناداری با میزان رضایت زناشویی رابطه دارد و بخشودگی بهترین پیش‌بینی‌کنندهٔ رضایت زناشویی بود.

باکوس (۲۰۰۹) در تحقیقی رابطهٔ میان بی‌حرمتی و بخشودگی و کیفیت رابطهٔ زناشویی را در دوران بارداری بررسی کرد. نمونه شامل ۱۷۸ زوج متأهل در خاورمیانه بود. تحلیلها نشان داد که بی‌حرمتی با گزارش سطوح پایین‌تری از رضایت زناشویی و عشق همراه می‌شود.

فینچام، هال و بیچ (۲۰۰۶) تحقیقی در زمینهٔ بخشودگی بر رضایت زناشویی انجام دادند و یافته‌ها نشان داد که بین بخشودگی با رضایت زناشویی رابطهٔ معناداری وجود دارد.

اورتینکال و وانستینوِگن[5] (۲۰۰۶) تأثیر بخشودگی بر رضایت زناشویی بادوام ازدواج را آزمودند. نمونهٔ تحقیق شامل ۷۸۷ نفر از زوجهای بلژیکی بود. نتایج حاکی از آن بود که رابطهٔ مثبت معناداری میان بخشودگی و رضایت زناشویی کلی وجود دارد.

1. Tse & Yip
2. Maltaby
3. Miller
4. Paleri & Recalia
5. Orathincal &Vansteenwegen

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

فینچام و همکاران (۲۰۰۵، به نقل از رجبی فروتن،۱۳۸۷) در پژوهشی بخشودگی را در حوزهٔ روابط زناشویی بررسی کردند. نمونه شامل ۱۵۴ زوج متأهل بود و نتایج نشان داد که ارتباط مثبتی بین بخشودگی و کیفیت رابطهٔ زناشویی وجود دارد.

فینچام، بیچ، دایویلا (۲۰۰۴ به نقل از رجبی فروتن ،۱۳۸۷) بررسی رابطهٔ میان بخشودگی، رضایت زناشویی و حل تعارضات زناشویی پرداختند. نتایج حاصل از ۳ سال مطالعه روی زوجهای متأهل نشان داد بخشودگی با رضایت زناشویی رابطهٔ مثبت و معناداری دارد.

فینچام، پالری، رکالیا (۲۰۰۲) به مطالعهٔ بخشودگی در ازدواج و بررسی نقش روابط زناشویی بر ارتقای سطح بخشودگی در زوجین پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که بین کیفیت روابط زناشویی و بخشودگی رابطهٔ معنادار وجود دارد و همدلی و بخشودگی رضایت از روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

فینچام و بیچ (۲۰۰۲) در تحقیقی دیگر بخشودگی در روابط زناشویی را تحلیل کردند. نتایج در برگیرندهٔ رابطهٔ مثبت معنادار میان رضایت زناشویی و بخشودگی بود. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که بخشودگی در زوجین رضایت زناشویی، کیفیت مراقبت از یکدیگر، ارتباط و پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند.

همچنین یکی از مهمترین فرایندها در شکل‌گیری یک رابطهٔ صمیمانه خودافشاسازی است؛ یعنی افشای اطلاعات خصوصی و محرمانه که در غیر این صورت دست‌یافتنی نیست. خودافشاسازی جریانی تدریجی است، افراد معمولاً در برخورد اولیهٔ خود با دیگران درونی‌ترین و خصوصی‌ترین افکار و احساسهای خود را آشکار نمی‌سازند. این پدیده همچنین جریانی متقابل است؛ یعنی دو طرف رابطه احساسها و واقعیتهای درونی خود را برای یکدیگر افشا می‌کنند و اگر یکی از آنها عقب‌نشینی کند، جریان خودافشاسازی متوقف می‌شود (دوایر[1]، ۲۰۰۰، ترجمهٔ بیابانگرد، ۱۳۸۲).

خودافشایی شامل فرایند آشکارکردن افکار، احساسهای درونی شخص و تجارب قبلی او برای شخصی دیگر است. مبادله کردن اطلاعات درونی مربوط به خود فرایند اصلی به حساب می‌آید که از طریق آن رابطهٔ بین افراد گسترش می‌یابد، همچنین خودافشایی بخش مهمی از روابط بین‌فردی را تشکیل می‌دهد و برای درک عملکرد زناشویی ضروری است که بدان توجه شود (آلتمن و تایلر[2]، ۱۹۷۳؛ به نقل از وارینگ، هالدن و وسلی[3]، ۱۹۹۸).

1. Dwyer
2. Altman & Taylor
3. Waring, Holden & Wesly

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

خودافشایی نه تنها نشان‌دهندهٔ سازگاری در روابط است، بلکه برای دستیابی به سلامت روانی و پایداری روابط نزدیک با دیگران ضروری است، به این معنی که با خودافشایی بالا می‌توانیم سازگاری بیشتر و نگرانی کمتری در مورد رابطه‌مان با دیگران داشته باشیم (اسچام، فیگلی و فاهس[1]، ۱۹۸۱). همچنین خودافشایی نقش مهمی در کاهش فاصلهٔ بین افراد و گسترش روابط صمیمانه دارد و در رابطهٔ زناشویی، افشا و آگاه کردن همسر از افکار، اعتقادات و نگرش‌ها، نقشی تعیین کننده در رضایت زناشویی دارد (چلیون[2] و همکاران، ۱۹۸۴).

خودافشایی، به طور کلی با سازگاری زناشویی و به طور اخص با صمیمیت زناشویی مرتبط است (شایفر و فرای[3]، ۱۹۹۴؛ به نقل از وارینگ و همکاران، ۱۹۹۸). همچنین خودافشایی در زوجها وسیله‌ای برای افزایش سلامتی، عزت نفس و توانایی فایق آمدن بر مشکلات در نظر گرفته می‌شود. افزون بر این، فقدان خودافشایی با درجه‌ای از افسردگی همسران همراه است و اینکه عدم تعادل در خودافشایی همسران، به نگرانی از سرزنش کردن همسر دیگر مربوط می‌شود (درلگا و بیگلن[4]، به نقل از وارینگ و همکاران، ۱۹۹۸).

میتچل[5] و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که خودافشایی و همدلی مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ صمیمیت در بین همسران هستند. در مردان خودافشایی و همدلی صمیمیت را پیش‌بینی می‌کنند، در حالی که در زنان صمیمیت به وسیلهٔ خودافشایی و همدلی شریک زندگی‌شان پیش‌بینی می‌شود. به نظر می‌رسد خودافشایی و همدلی مهم‌ترین تعیین‌کنندهٔ رفتار صمیمانه با همسر باشد اما روشی که آنها تحت تأثیر صمیمیت قرار می‌گیرند متأثر از تفاوتهای جنسی است.

بوت[6] (۲۰۱۰) میزان خودافشایی جنسی در روابط صمیمیانه را بر روی ۱۰۸۸ زن دگرخواه جنسی بررسی و مشاهده کرد که جرأت جنسی، لذت جنسی شریک جنسی، نوازشهای قبل از رابطهٔ جنسی، تعهد داشتن به رابطه و رضایت از رابطه ۶۰ درصد از خودافشایی را پیش‌بینی می‌کند.

هندریک (۱۹۸۱) در مطالعه‌ای تأثیر خودافشایی را بر رضایت زناشویی زوجها بررسی کرد. او نگرش را پیش‌بینی‌کننده احتمالی رضایت زناشویی معرفی کرد. وی مشاهده کرد که: ۱) رابطهٔ مثبتی بین خودافشایی و رضایت زناشویی وجود دارد؛ ۲) تأیید شد که خودافشایی پیش‌بینی‌کنندهٔ معنادار رضایت زناشویی است؛ و ۳) نشان داده شد که شباهت نگرشی رابطهٔ مثبت و قوی با رضایت

1. Schumm, Figley & Fuhs
2. Chelune
3. Schaeffer & Fry
4. Derlega & Biglan
5. Mitchell
6. Booth

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

زناشویی دارد. در کل، یافته‌ها بیان می‌کنند که خودافشایی و شباهت نگرشی به عنوان پیش-بینی‌کننده‌های مهم رضایت زناشویی هستند.

لومباردو و وود[1] (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای ۹۶ دانشجوی متأهل را در سه گروه با خودافشایی بالا، متوسط و پایین و میزان رضایت آنها را از روابطشان با جنس موافق، مخالف و رضایت از روابط عاشقانه را بررسی کردند. آنها نشان دادند که افراد با خودافشایی متوسط در هر دو جنس بیشترین رضایت را از روابط بین فردی دارند. همچنین، یافته‌ها نشان داد که خودافشایی احتمالاً به سازگاری و ناسازگاری مرتبط نیست، بلکه بیشتر به روابط بین فردی باثبات مربوط است.

دیویدسون[2] و همکاران (۱۹۸۳، به نقل از دیندیا و کاناری[3]، ۱۹۹۳) در تحقیقی مشاهده کردند که خودافشایی علاوه بر اینکه موجب افزایش خودافشایی همسر می‌شود، سطح بالای سازگاری و رضایت از رابطهٔ زناشویی را برآورد می‌کند. همچنین بیلیتر[4] (۲۰۰۲) و هندریک (۱۹۸۱) در مطالعه‌ای مشاهده کرد که رابطهٔ مثبتی بین خودافشایی و رضایت زناشویی وجود دارد و خودافشایی به عنوان پیش‌بینی‌کنندهٔ معنادار رضایت زناشویی مشاهده شد. این یافته‌ها از گفتهٔ برهم[5] (۱۹۹۲، به نقل از دیندیا و کاناری، ۱۹۹۳) مبنی بر اینکه خودافشایی افراد برای یکدیگر و سهیم کردن آنها در اطلاعات شخصی خود، موجب پیشرفت و بهبود کیفیت رابطهٔ زناشویی می-شود، حمایت می‌کنند.

بنابراین در رابطهٔ زناشویی، خودافشایی به عنوان متغیر مهمی در فرایند ایجاد ارتباط مستحکم بین زوجها توصیف شده و نه تنها باعث افزایش رضایت زناشویی هر یک از آنها از رابطه می‌شود، بلکه میزان حل تعارضهای زناشویی را افزایش می‌دهد و همسرانی که به میزان بالایی احساسها و تجاربشان را در رابطهٔ زناشویی خودافشایی می‌کنند، به احتمال بیشتری سازگاری و رضایت زناشویی را تجربه خواهند کرد (یورگنسن و گادی[6]، ۱۹۸۰، به نقل از دیندیا و کاناری، ۱۹۹۳)

در بیشتر بررسیهای مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، بر رضایت که نشاط و شادکامی ازدواج را در پی دارد تأکید می‌شود (هیامن، سیرز و بلاک[7]، ۱۹۹۴؛ به نقل از رجبی، ۱۳۸۸). بنابراین، با توجه به اهمیت رضایت زناشویی در افزایش کارکرد خانواده و سلامت جامعه و ضرورت مطالعهٔ عوامل مرتبط با آن، این پژوهش به دنبال آن است که اطلاعات مناسبی برای

1. Lombardo & Wood
2. Davidson
3. Dindia & Canary
4. Billeter
5. Brehm
6. Jorgensen & Gaudy
7. Heyman, Sayers & Bellack

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

زوجها جهت غنی‌سازی رابطهٔ زناشویی فراهم کند. بر این اساس، در این پژوهش رابطهٔ ساده و چندگانهٔ صمیمیت، بخشش و خودافشایی با رضایت زناشویی بررسی شد.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر یک مطالعه از نوع همبستگی[1] و تحلیل رگرسیون چندمتغیری[2] است. جامعهٔ آماری این پژوهش کلیهٔ معلمان متأهل آموزش و پرورش بخش شاوور از توابع شهرستان شوش استان خوزستان در سال ۱۳۹۲ بود و نمونهٔ این تحقیق به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه-ای از بین آنها انتخاب شد. باید خاطر نشان کرد حجم جامعهٔ این پژوهش۱۱۰۰ نفر شامل مردان ۷۱۰ نفر (ابتدایی۴۵۰، راهنمایی۲۰۰ و دبیرستان ۶۰ نفر) و زنان ۳۹۰ نفر(معلمان ابتدایی ۲۳۶، راهنمایی ۱۰۰ و دبیرستان ۵۴ نفر) هستند که بر اساس جدول کرجسی و مورگان[3] (۱۹۷۰) ۲۸۵ نفر شامل مردان ۱۸۴ نفر(ابتدایی۱۱۶، راهنمایی۵۲ و دبیرستان۱۶) و زنان ۱۰۱ نفر(ابتدایی۶۰، راهنمایی۲۶ و دبیرستان ۱۵نفر) بر اساس نسبت جنسیتی زن و مرد به صورت تصادفی از بین آنها انتخاب شدند.

ابزارهای اندازه‌گیری

در این پژوهش برای اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه از ابزارهای زیر استفاده شده است.

۱. پرسشنامهٔ صمیمیت زناشویی

پرسشنامهٔ صمیمیت زناشویی[4] توسط بروک و اومن[5] (۱۹۹۸، به نقل از عرفانی‌اکبری، ۱۳۷۸) تهیه شده و دارای ۵۶ ماده است. این پرسشنامه شامل پنج خرده‌مقیاس مشکلات مربوط به میزان صمیمیت، میزان توافق زوجین، صادق بودن، علاقه و محبت و پایبندی به تعهدات است که پاسخ به هر یک از ماده‌ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه ۱= خیلی‌کم تا ۵ =خیلی زیاد رتبه‌بندی شده است. همچنین برخی از ماده‌های این پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

بروک و اومن (۱۹۹۸، به نقل از عرفانی‌اکبری، ۱۳۷۸) ضریب پایایی کل پرسشنامه را ۰/۸۶گزارش کردند. این پرسشنامه را در ایران عرفانی اکبری (۱۳۷۸) اعتباریابی کرده است. در این پژوهش نیز ضریب پایایی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل نمونه ۰/۹۴ به دست آمد. چند

1. Correlation method
2. Multivariate regression analysis
3. Kerjci & Morgan
4. Marital Intimacy Questionnaire
5. Broucke & Ommen

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

نفر از استادان رشتهٔ مشاوره و روانشناسی روایی صوری این پرسشنامه را تأیید کردند. همچنین در این پژوهش برای بررسی روایی همزمان آن از مقیاس صمیمیت[1] ۱۷ مادهای واکر و تامپسون[2] (۱۹۸۳، ثنایی ذاکر، ۱۳۷۹) استفاده شد که در سطح p <۰/۰۰۱، ۰/۷۱ به دست آمد. این یافته نشان میدهد که هر دو ابزار تا حدودی یک سازهٔ واحد را اندازهگیری میکنند.

۲. مقیاس سنجش بخشش درخانواده

مقیاس بخشش (FFS) توسط پلارد، اندرسون و جنینگز[3] (۱۹۹۸) ساخته شده است. این مقیاس ۴۰ ماده دارد و از دو قسمت تشکیل شده است؛ ۲۰ مادهٔ اول آن به روابط خانوادهٔ اصلی و۲۰ مادهٔ بعدی آن به روابط زناشویی فعلی مربوطاند.

در ساخت این مقیاس، از پنج مفهوم مشترک بین سه الگو استفاده شده است. این پنج مفهوم عبارتاند از درک واقعبینانه[4]، تشخیص خطا[5]، جبران عمل اشتباه[6]، دلجویی کردن[7] و احساس بهبودی[8].

این پرسشنامه دارای پنج خردهمقیاس است و هر خردهمقیاس ۸ سؤال دارد. نمرات پایین در این پرسشنامه نشانهٔ این است که فرد در روابط زناشویی بخشش کمتری دارد. پلارد و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهش خود از مقیاس بخشش خانواده (FFS) استفاده و آن را روی ۲۲۹ زن و ۱۱۳ مرد اجرا کردند. ضریب آلفای کرونباخ بهدست آمده برای کل پرسشنامه ۹۳٪ بود و همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای تمام خردهمقیاسهای پرسشنامه در دامنهٔ ۵۵٪ تا ۸۶٪ به دست آمد که در حد مطلوبی بود (جدول شماره ۱).

جدول شمارهٔ ۱. ضرایب آلفای کرونباخ خردهمقیاسهای مقیاس بخشش در خانوادهٔ اصلی و خانوادهٔ فعلی

خردهمقیاسها / آلفای کرونباخ	درک واقعبینانه	تشخیص خطا	جبران عمل اشتباه	دلجویی کردن	احساس بهبودی
خانوادهٔ اصلی	٪۷۶	٪۸۲	٪۶۰	٪۷۵	٪۷۱
خانوادهٔ فعلی	٪۵۵	٪۷۳	٪۷۲	٪۸۱	٪۸۶

*اقتباس از پلارد و همکاران (۱۹۹۸)

سیف، بهاری و خسروی (۱۳۸۰) با استفاده از یک نمونهٔ ۷۶۶ نفری از متأهلان شهر تهران ویژگیهای روانسنجی مقیاس بخشش خانواده را بررسی کردند. با استفاده از ضرایب آلفای

1 .Intimacy Scale
2 .Walker & Thompson
3. Pollard, Anderson & Jennings
4 . Realization
5 .Recognition
6 .Reparation
7 .Restitution
8 .Resolution

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

کرونباخ، پایایی مربوط به بخش خانوادهٔ اصلی، خانوادهٔ فعلی و کل پرسشنامه به ترتیب ۸۴٪، ۸۵٪ و ۴/۸۴٪ بـه دسـت آمـد. اگرچـه خـرده مقیاسـهای بهبـود و جبـران در بخـش خـانواده اصـلی و خرده‌مقیاس ادراک در رابطهٔ فعلی دارای پایایی رضایت‌بخش نبودند ولی بقیهٔ خرده‌مقیاسـهای ایـن مقیاس دارای ضریب پایایی رضایت‌بخش بودند.

روش کمی‌سازی و نمره‌گذاری

این مقیاس به روش طیف سادهٔ لیکرت نمره‌گـذاری مـی‌شـود. در ایـن روش، بـرای هریـک از گزینه‌ها پاسخ نمره‌ای در نظر گرفته می‌شود. در اثر اجرای این روش بـرای هـر آزمـون ۵ نمـره بـه مقیاسهای فرعی و یک نمره به کل مواد مقیاس تعلق می‌گیرد؛ به طوری که به گزینهٔ الف نمـرهٔ ۱ و به گزینهٔ د نمرهٔ ۴ داده می‌شود. شایان ذکر است بعضی آیتم‌ها بـه صـورت معکـوس نمـره‌گـذاری می‌شود. ماده‌سؤالهایی که نمره‌گذاری آن‌ها به صورت الف=۱، ، ب=۲، ، ج=۳ و د=۴ امتیاز هستند عبـــارت‌انـــد از: ۱، ۲، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۲۲، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰. همچنین ماده‌سؤالهایی که به صورت معکوس شماره‌گذاری مـی‌شـوند عبـارت‌انـد از: ۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۵، ۳۶، ۳۹.

اعتبار: پلارد و همکاران بر اساس بررسی اعتبار، مقیاس بخشش خانواده را، با استفاده از نمونهٔ ۳۲۲ نفری، با مقیاس خود و ورثینگتون[1] و مقیاس اخلاق رابطه‌ای[2] تحلیل کردند. نتایج تحلیل نشان داد که خرده‌مقیاس‌ها اعتبار همگرایی مطلوبی ندارند. همچنـین نتـایج ایـن پـژوهش نشـان داد کـه مقیاس بخشش خانواده دارای اعتبار سازهٔ قابل‌قبولی است.

سیف، بهاری و خسروی (۱۳۸۰) با استفاده از تحلیل عامل تأییدی، ساختاری عامـل دو بخـش این مقیاس (خانوادهٔ اصلی و فعلی) را تأیید کردند. آنان در این پژوهش نشان دادند که این مقیـاس دارای اعتبار محتوایی قابل قبولی است.

۳. پرسشنامهٔ خودافشایی زناشویی

پرسشنامهٔ خودافشایی زناشویی[3] توسط وارینگ و همکاران (۱۹۹۸) در قالب یک پرسشنامهٔ خودگزارشی کوتاه و صحیح - غلط ساخته شد که شامل ۴۰ ماده و چهار خرده‌مقیاس رابطه، مسائل جنسی، پول و نبود تعادل در خودافشایی است. همچنین برخی از ماده‌های این پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

1. Worthington Autonomy Scale (WAS)
2. Relational Ethics Scale (RES)
3. Marital Self-Disclosure Questionnaire

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

وارینگ و همکارانش (۱۹۹۸) این پرسشنامه را بر روی ۶۰ زوج که شامل ۳۲ زوج بالینی ارجاع داده‌شده به علت اختلال زناشویی و ۲۸ زوج غیربالینی اجرا کردند. آنها ضرایب آلفای کل پرسشنامه را ۰/۹۱ و برای خرده‌مقیاسهای نبود تعادل ۰/۶۸، پول ۰/۸۵، رابطه ۰/۹۱ و مسائل جنسی ۰/۹۲ گزارش کردند.

ظهیری (۱۳۹۰) برای بررسی ضریب پایایی پرسشنامه از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده کرد که ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۸۲ به دست آمد که نشان‌دهندهٔ همگونی ماده‌ها در پرسشنامهٔ فوق است. ظهیری (۱۳۹۰) برای محاسبه روایی همزمان آن از مقیاس خودافشایی عاطفی زوجین[1] (پاترینی[2]، ۱۹۹۶، به نقل از ویتو[3]، ۱۹۹۹) استفاده کرد که در کل نمونه معنادار بود.

۴. مقیاس رضایت زناشویی

مقیاس رضایت زناشویی[4] (محرابیان، ۲۰۰۵، به نقل از رجبی، ۱۳۸۸) برای ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوهٔ مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رضایت زناشویی ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۱۳ ماده است. ماده‌های این مقیاس به صورت لیکرتی در یک طیف پنج گزینه‌ای از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم رتبه‌بندی شده است. همچنین برخی از ماده‌های آن به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

رجبی (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ را برای این ابزار به دست آورد. در این پژوهش نیز برای بررسی ضریب پایایی پرسشنامه از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۳۱ به دست آمد که نشان‌دهندهٔ همگونی ماده‌ها در پرسشنامهٔ فوق است. رجبی (۱۳۸۸) روایی همزمان مقیاس ۱۳ ماده‌ای رضایت زناشویی را با پرسشنامهٔ ۴۷ ماده‌ای انریچ[5] بر روی کارمندان دانشگاه شهید چمران اهواز ۰/۸۳ ($p < ۰/۰۰۱$) به دست آورد.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۲ میانگین‌ها و انحرافهای معیار صمیمیت، بخشش و خودافشایی همراه با مؤلفه-های آنها با رضایت زناشویی را نشان می‌دهد.

1. Affective Self-Disclosure Scale for Couples
2. Paterini
3. Vito
4. Marital Satisfaction Scale
5. Enrich Marital Satisfaction Scale

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

همان‌طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، بین صمیمیت و مؤلفه‌هایش با رضایت زناشویی، بین بخشش و مؤلفه‌هایش با رضایت زناشویی و خودافشایی و مؤلفه‌هایش با رضایت زناشویی رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد (P <۰/۰۱). این یافته‌ها پاسخگوی فرضیهٔ مربوط به روابط ساده است.

جدول شماره ۲. ضرایب همبستگی چندگانه بین صمیمیت و بخشش و خودافشایی با رضایت زناشویی در معلمان با روش الف) ورود (Enter) ب) مرحله‌ای (stepwise)

الف : Enter		همبستگی چندگانه MR	ضریب تعیین RS (R^2)	نسبت F احتمال p	ضریب رگرسیون (β)
متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین				
رضایت زناشویی معلمان	صمیمیت زناشویی	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	F= ۲۰/۲۰ p=۰/۰۰۱	B= ۰/۰۵۶ β=۰/۳۰۵ t= ۴/۲۷ p =۰/۰۰۱
	بخشش				B= ۰/۵۱ β=۰/۱۲۸ t= ۱/۹۸ p =۰/۰۴
	خودافشایی				B= ۰/۰۴۵ β= ۰/۰۵۴ t= ۰/۸۷ p =۰/۳۸

ب :stepwise		همبستگی چندگانه MR	ضریب تعیین RS (R^2)	نسبت F احتمال p	ضریب رگرسیون (β)	
متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین ↓				۱	۲
رضایت زناشویی معلمان	صمیمیت زناشویی	۰/۴۰۵	۰/۱۶۴	F= ۵۵/۳۷ p=۰/۰۰۱	B= ۰/۰۷۴ β=۰/۴۰۵ t= ۷/۴۴ p =۰/۰۰۱	
	بخشش	۰/۴۱۹	۰/۱۷۵	F= ۲۹/۹۴ p=۰/۰۰۱	B= ۰/۰۶۰ β =۰/۳۲۸ t= ۴/۹۳ p =۰/۰۰۱	B= ۰/۰۵۲ β=۰/۱۳۲ t= ۱/۹۹ p =۰/۰۴

همان طوری که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود (Enter)، ضریب همبستگی چندمتغیری برای ترکیب غیرخطی صمیمیت و بخشش و خودافشایی با رضایت زناشویی در معلمان برابر با MR =۰/۴۲۱ و RS =۰/۱۷۷ است که در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS)، مشخص شده که ۱۸ درصد واریانس رضایت زناشویی در معلمان توسط متغیرهای پیش‌بین (صمیمیت و بخشش و خودافشایی) قابل تبیین است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

از میان متغیرهای صمیمیت و بخشش و خودافشایی در معلمان به عنوان متغیرهـای پـیش‌بـین، متغیر صمیمت زناشویی با مقدار t= ۴/۲۷ و سطح معناداری p=۰/۰۰۱ (با رابطه‌ای مسـتقیم)، متغیـر بخشش با مقدار t= ۱/۹۸ و سطح معنـاداری p=۰/۰۴ (بـا رابطـهٔ مسـتقیم) در سـطح خطـای ۰/۰۵ معنادار است. پس در پیش‌بینی‌کنندگی برای رضایت زناشویی در معلمان نقش خوبی ایفا می‌کند.

همچنین متغیر خودافشایی با مقدار t= ۰/۸۷ و سطح معناداری p=۰/۳۸ در سـطح خطـای ۰/۰۵ معنادار نیست. پس در پیش‌بینی‌کنندگی برای رضایت زناشویی در معلمان نقش خوبی ایفا نمی‌کند.

طبق رگرسیون مرحله‌ای(stepwise)، متغیر صمیمت زناشویی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده و خودافشایی ضعیف‌ترین پیش‌بینی‌کننده برای رضایت زناشویی در معلمان است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده از تحلیل همبستگی، رابطـهٔ مثبـت و معنـی‌داری را بـین متغیـر صـمیمیت و رضایت زناشویی،نشان می‌دهد، لذا فرضیهٔ اول مبنـی بـر وجـود رابطـهٔ معنـادار میـان صـمیمیت و رضایت زناشویی تأیید می‌شود. بـه عبـارتی، بـین صـمیمیت و رضـایت زناشـویی رابطـهٔ مثبـت و معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های ظهیری (۱۳۹۰)، ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷)، احمدی، نوابی نژاد، اعتمادی و فرزاد (۱۳۸۵)، اولیا و همکاران (۱۳۸۵)، ایکـرت (۲۰۱۳)، سیمونلی(۲۰۱۱)، آوربک، کمپ و انگلز (۲۰۰۷)، پاتریـک و همکـاران (۲۰۰۷)، کرافـورد، آنگـر و بلوم (۲۰۰۶)، کربای، باکوم و پیترمن (۲۰۰۵)، سـالاس و کتزینبرگـر(۲۰۰۴)، یاکوبوسـکی و مـاین (۲۰۰۴)، گریف و مالهروب (۲۰۰۱)، برانت[1] (۲۰۰۳، به نقل از موحدی، ۱۳۸۷)، پراگر[2] (۱۹۹۵، بـه نقـل از ولسـکی[3]، ۱۹۹۸)، هلـر و وود (۱۹۹۸)، تالسـتد و اسـتاکز (۱۹۸۳) و دانـدنیو و جانسـون (۱۹۹۴) همسوست.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که غالباً تئوریهای زناشـویی در برگیرنـدهٔ میزان صمیمیت تجربه‌شده توسط زوجها هستند. مفهوم‌پردازی رایج از صـمیمیت عبـارت از سـطح نزدیکی همسر، اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، روابـط جنسـی، شـناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن، در نتیجه زوجهـای صـمیمی از رضـایت زناشـویی بالاتری برخوردارند. در حقیقت، فرد باید به درجه‌ای از رشد فردی دست یابد که بتواند با دیگـران رابطهٔ صمیمانه برقرار کند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). صمیمیت با شناخت خود همراه است. ایـن

1. Berant
2. Prager
3. Volsky

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

بدان معنی است که فردی که صمیمیت بالاتری دارد خود را به شیوهٔ مطلوبتری در روابط عرضه می‌کند و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به همسر خود ابراز می‌کند. رضایت زناشویی می‌تواند در زوجهایی که میزان صمیمیت بیشتری دارند، بیشتر باشد یا زوجهایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطهٔ خود داشته باشند، در نتیجه رضایت زناشویی بالاتری را تجربه کنند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷).

فرضیهٔ دوم تحقیق مبنی بر وجود رابطهٔ مثبت معناداری بین بخشش و رضایت زناشویی در معلمان، با استفاده از تحلیل همبستگی رابطهٔ مثبت معناداری بین بخشش و رضایت زناشویی وجود دارد و نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های غفور (۱۳۸۸)، ناطقیان ملازاده، گودرزی و رحیمی (۱۳۸۷)، افخمی، فاتحی و بهرامی (۱۳۸۶)، حمید (۱۳۸۴)، تسه و ییپ (۲۰۰۹)، مالتبی(۲۰۰۸)، میلر و ورتینگتون (۲۰۱۰)، فینچام، پالری و رکالیا (۲۰۰۲)، گوردون و باکوم (۲۰۰۹)، باکوس (۲۰۰۹)، فینچام و همکاران (۲۰۰۶به نقل از رجبی فروتن ،۱۳۸۷)، اورتینکال و وانستینوگن (۲۰۰۶) و فینچام و بیچ (۲۰۰۲) مطابقت دارد.

در این زمینه می‌توان گفت که بخشودگی به عنوان تغییر میان فردی و اجتماعی مثبت در مقابل خطایی که در حوزهٔ میان‌فردی قرار دارد [(آلمند و همکاران (۲۰۰۷)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۶)، بیچ و لارک (۲۰۰۴)؛ ورثینگتون (۲۰۰۵)] تعریف می‌شود. با توجه به این تعریف، بخشودگی تغییراتی را در بر می‌گیرد که می‌تواند با کاهش احساسات منفی یا افزایش احساسات مثبت همراه باشد. توجه به نقش بخشش در کاستن از احساسات منفی و افزایش احساسات مثبت، می‌توان دریافت که بخشودگی با کیفیت بالای رابطهٔ زناشویی همراه است. هنگایی که فرد قادر به بخشش باشد رابطهٔ میان هتک حرمت و کیفیت رابطهٔ زناشویی ضعیف، تعدیل می‌شود (باکوس، ۲۰۰۹). افرادی که قادر به بخشش همسر خویش هستند، اعتقاد به تقدیس رابطهٔ زناشویی خود دارند و این توانایی بخشش همسر به استحکام بیشتر رابطهٔ زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد (ماگیار، ۲۰۰۶).

فرضیهٔ سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطهٔ مثبت و معناداری بین خودافشایی و رضایت زناشویی در معلمان، با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون بررسی شد. نتایج نشان داد که رابطهٔ مثبت و معناداری بین خودافشایی و رضایت زناشویی وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های میتچل (۲۰۱۱) و بوت (۲۰۱۰)، هندریک (۱۹۸۱)، لومباردو و وود (۲۰۰۷)، دیندیا و کاناری

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

(۱۹۹۳)، بوگارد و اسپیلکا[1] (۱۹۹۶، به نقل از دیندیا و کاناری، ۱۹۹۳) و روزنفلد[2] (۱۹۹۱، به نقل از بیلیتر، ۲۰۰۲) هماهنگ است.

این ایده که صمیمیت و رضایت زناشویی با هم مرتبط هستند، از جهات گوناگون قابل‌تبیین است. اگر خودافشایی با سرزنش همسر روبه‌رو نشود، با طولانی شدن رابطه افزایش پیدا می‌کند و موجب شناخت بیشتر همسران از همدیگر و ایجاد اعتماد بین آنها می‌شود (هندریک، ۱۹۸۱). همچنین خودافشایی بهبود و پیشرفت کیفیت رابطهٔ زناشویی را در پی می‌آورد (برهم، ۱۹۹۲، به نقل از دیندیا و کاناری، ۱۹۹۳)

خودافشایی از عواملی است که می‌تواند رضایت از رابطه را پیش‌بینی کند (ساندرسون و کانتر[3]، ۲۰۰۱، به نقل از بیلیتر، ۲۰۰۲). همسران از طریق خودافشایی می‌توانند افکار، احساسها، عواطف، ادراک‌های درونی، علایق، خواسته‌ها و نیازهای خود را با همدیگر در میان بگذارند (تاکر و اندرس[4]، ۱۹۹۹، به نقل از بیلیتر، ۲۰۰۲). خودافشایی هدف مناسبی برای مداخله جهت پیشرفت رضایت زناشویی است و با تسهیل فرایند خودافشایی نگرشها، اعتقادها، اهداف و ارزشها در بین همسران، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد (چلیون و همکاران، ۱۹۸۴).

فرضیهٔ چهارم نتایج به‌دست آمده از رگرسیون چندگانه، حاکی از وجود رابطهٔ چندگانه بین صمیمیت، بخشش، خودافشایی با رضایت زناشویی است. لذا فرضیهٔ چهارم مبتنی بر وجود رابطهٔ چندگانه میان صمیمیت، بخشش و خودافشایی با رضایت زناشویی تأیید می‌شود.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که ترکیبی از صمیمیت، بخشش و خودافشایی بهنجار است که به استحکام بیشتر روابط زناشویی می‌انجامد. در روابط زناشویی، هر چه صمیمیت بالاتر باشد، احتمال بخشش و خودافشایی نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه رضایت زناشویی نیز بیشتر می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نیز نشان داد که از بین متغیرهای پژوهش (صمیمیت، بخشش و خودافشایی) صمیمیت نقش مهمی در افزایش میزان رضایت زناشویی ایفا می‌کند؛ یعنی صمیمیت با کیفیت بالای رابطهٔ زناشویی همراه است. پس می‌توان نتیجه گرفت که صمیمیت نقش مهمی در افزایش میزان رضایت زناشویی دارد و این نشان می‌دهد به‌رغم اینکه کلیهٔ متغیرهای پژوهش با رضایت زناشویی رابطه دارد، این رابطه به دلیل همپوشی بعضی از متغیرها با یکدیگر باعث شده است که بهترین متغیر پیش‌بینی‌کننده از میان آنها صمیمیت باشد؛ زیرا هدف اصلی ازدواج ارتباط صمیمی است و بدون آن ازدواج، ازدواج سعادتمندانه‌ای نخواهد بود.

1. Bogard & Spilka
2. Rosenfeld
3. Sanderson & Canter
4. Tucker & Anders

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

منابع

احمدی، سید احمد؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ اعتمادی، عذرا و فرزاد، ولی‌اله. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان. *مطالعات روان شناختی*، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱، ۶۹-۸۷.

احمدی، منصور. (۱۳۸۷). *اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در افزایش صمیمیت فرهنگیان مرد و همسرانشان در شهرستان بانه*. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد مشاورهٔ خانواده. دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

افخمی، ایمانه؛ فاتحی‌زاده، مریم و بهرامی، فاطمه.(۱۳۸۶). بررسی رابطه بین میزان بخشودگی و تعارض زناشویی زوجین در استان یزد. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال سوم، شماره۹،۴۳۲-۴۴۲.

اولیاء، نرگس؛ فاتحی‌زاده، مریم و بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۵). تأثیر آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین. *فصلنامهٔ خانواده‌پژوهی*، سال دوم، شمارهٔ ۶، ۱۱۹-۱۳۴.

باقری، اشرف. (۱۳۸۹). *رابطهٔ بخشودگی، کمال‌گرایی، صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین جانباز شهر اهواز*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه علوم و تحقیقات اهواز.

ثنایی ذاکر، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج* . تهران: انتشارات بعثت.

خمسه، اکرم و حسینیان، سیمین. (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل. *مطالعات زنان*، سال ۶، شمارهٔ ۱، ۳۵-۵۲.

دانشورپور، زهره؛ تاجیک اسمعیلی، عزیزاله؛ شهرآرای، مهرناز؛ فرزاد، ولی‌اله و شکری، امید. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. *مجلهٔ روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شمارهٔ ۴، ۳۹۳-۴۰۴.

دوایر، دیانا. (۲۰۰۰). *روانشناسی روابط بین‌فردی* (ترجمهٔ اسماعیل بیابانگرد و علی نعمتی، ۱۳۸۲). تهران: انتشارات موسسهٔ کتاب مهربان.

ذوالفقاری، مریم؛ فاتحی‌زاده، مریم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۷). تعیین رابطهٔ بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصلنامهٔ خانواده پژوهشی*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۵، ۲۴۷-۲۶۱.

رجبی، غلامرضا. (۱۳۸۸). ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران. *مجلهٔ روانپزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، سال پانزدهم، شمارهٔ ۴، ۳۵۹-۳۶۷.

رجبی فروتن، مینا. (۱۳۸۷). *بررسی اثر بخش آموزش های مهارتهای ارتباطی بر بخشش در بین زوجین ساکن در منازل سازمان لشکر ۹۲ زرهی اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علوم تحقیقات اهواز.

سیف، سوسن؛ بهاری، فرشاد و خسروی، (۱۳۸۰). استاندارد سازی و هنجار یابی مقیاس سنجش خانواده برای خانواده های ایرانی، دانشگاه الزهرا.

ظهیری، سعید. (۱۳۹۰). *بررسی رابطهٔ تمایز یافتگی، صمیمیت و خودافشایی با رضایت زناشویی در بین کارمندان دانشگاه‌های شهید چمران و علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز*. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد مشاوره، اهواز: دانشگاه چمران.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

عرفانی‌اکبری، معصومه. (۱۳۷۸). *بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت و تأثیر درمان رفتاری_ارتباطی بر آن*. پایان نامهٔ کارشناسی ارشد مشاوره، تهران: دانشگاه الزهرا.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۲۰۰۰). *خانواده‌درمانی* (ترجمهٔ حمیدرضا حسین شاهی بروانی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، ۱۳۸۳). تهران: نشر روان.

موحدی، معصومه. (۱۳۸۷). *تأثیر آموزش ابعاد صمیمیت بر افزایش صمیمیت زوجین در کارکنان شرکت نفت اهواز*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مشاورهٔ خانواده، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

ناطقیان، سمانه؛ رحیمی، جواد و گودرزی، محمد علی.(۱۳۸۷). بخشایش و رضایت زناشویی در مردان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه ناشی از جنگ و همسران آنها. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال دهم ، بهار۱۳۸۷،۳۳-۴۶.

نظری، علی‌محمد. (۱۳۸۹). *مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*. تهران: انتشارات علم.

Allemand, M., Amberg, I., Zimprich, D., & Fincham, F.D. (2007). The Role of triad forgiveness and relationship satisfaction in epistiodic forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology, 26*(2),199-217.

Backus, L. N. (2009). *Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy*. Master of arts thesis, Graduate College of Bowling Green State University.

Billeter, C. B. (2002). *An exploration of eight dimensions of self-disclosure with relationship satisfaction.* MA thesis, Blacksburg University.

Booth, A. P. (2010). *Sexual Self-disclosure in intimate Relationship*. Guelph University, Canada.

Burleson, B. R. , & Denton, W. (1997). The relationship between communication skill and marital satisfaction. *Journal of Marriage and the Family*, *59*, 884-902.

Campbell, T, L. (2003). The effectiveness of family interventions in physical disorders. *J Marital Family Ther*, *29*(2), 263-281.

Chelune, G. J., Sultan, E E., Vosk, B. N., & Ogden, K. (1984). Self-disclosure and its relationship to marital intimacy. *Journal of Clinical Psychology*, *40*(1), 216-219.

Dandeneau, M. L., Johnson, S. M. (1994). Facilitating intimacy: Interventions and effects. *Journal of Marital and Family Therapy*, 20, 17- 33.

Dindia, K., & Canary, D.J. (1993). Definition and theoretical perspectives on relational maintenance. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 163-173.

Durrana, C. (1998). A longitudinal evaluation of the effectiveness of The PALRS psychoeducational program for couples. *Journal of Family Therapy*, 23, 11-36.

Eckert, R. M. (2013). *Intimacy libido depressive symptom and marital satisfaction in postpartum couples*. Doctoral Nursing practice Dissertation, Drexel University.

Fincham, F. & Beach, S. (2002). Forgiveness in marriage: Implication for psychological agnation and constructive communication. *Personal Relationship*, 9, 239-257.

Fincham, F., Paleri, G., & Recalia, C. (2002). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 18, 72-81.

Fincham, F. D. , Hall, J. & Beach, S. R. H. (2006). Forgiveness in marriage: Current status and future direction. *Family Relations Journal*, 55, 415-427.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

Gordon, K. C., & Baucom, D.H. (2003). Forgiveness and marriage: Preliminary support for a synthesized model of recovery from a marital betrayal. *American Journal of Family Therapy*, 31(3), 179-199.

Greeff, P. A. , & Malherbe, L. H. (2001). Intimacy and marital satisfaction in spouse. *Journal of Sex Marital Therapy*, 27, 247-257.

Heller, P. E, & Wood, B. (1998). The process of intimacy: Similarity, understanding, and gender. *Journal of Marital and Family Therapy*, 24, 273-288.

Hendrick, S. S. (1981). Self-disclosure and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, *40*(6), 1150-1159.

Kirby, J. S., Baucom, D. H., & Peterman, M. A. (2005). An Investigation of unmet intimacy needs in marital relationships. *Journal of Marital and Family therapy*, 31, 313-325.

Laurenceau, J.-P., Barrett, L. F., & Rovine, J. M. (2005). The interpersonal process model of intimacy in marriage: A daily-diary and multilevel modeling approach. *Journal of Family Psychology, 19*(2), 314-323.

Lombardo, J. P., & Wood, D. R. (2007). Satisfaction with interpersonal relations as a function of self-disclosure. *Journal of Psychology*, 102, 21-26.

Magyar, G. H. (2006). *Violating the sacred: An initial study of desecration in romantic relationship among college students and its implications for mental and physical health*. Master's thesis, Bowling Green State University.

Maltaby, J. ,Wood, A. M. , Day, I., & Kon, T. W. A. (2008). Personality predictors of levels of forgiveness two and half years after the transgression. *Journal of Research in Personality* ,42, 1088-1094.

Miller, A. J., & Worthington, E. L. (2010). Sex differences in forgiveness and mental health in recently married couples. *The Journal of Positive Psychology*, *5*(1),12-23.

Mitchell, A., Castellani, M. A. , Herrington, L. R. , Josheph, J. , Doss, D. B. , & Snyder, K. D. (2008). Predictor of intimacy in couples' discussions of relationship injuries: An observational study. *Journal of Family Psychology*, *22*(1), 21-29.

Orathinkal, J., & Vansteenwegen, A. (2006). The effect of forgiveness on marital satisfaction in relation to marital stability. *Contemporary Family Therapy*, *28*(2), 251-260.

Patrick, S., Sells, N. J., Giordano, G. F., & Tollerud, T. (2007). Intimacy, differentiation , and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, *15*(4), 359-367.

Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life? *The American Journal of Family Therapy*, 36, 388-401.

Pollard, M., Anderson, R., Anderson, W. & Jennings, G. (1998). The development of family forgiveness scale. *Journal of Therapy*, 20, 95-109.

Salas, D., & Ketzenberger, K. E. (2004). Association of sex and type of relationship on intimacy. *Journal of Psychology*, 94,12-24.

Schaeifer, H. (1998). *What is image relationship therapy*? New York, Brooks/Cole Publishing Company.

Schumm,W. R., Figley, C, R., & Fuhs, N. N. (1981). Predicting self-disclosure anxiety in the marital relationship. *Journal of Psychology*, *107*, 273-279.

Shackelford, T., & Buss, D. M. (1999). Marital satisfaction and spousal cost inflication. *Journal of Personality and Individual Differences*, 28, 917-928.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

Simonelli, C., Tripodi, F., Rossi, R.,Fabrizi, A., Lembo , D., Cosmi,V. , & Pierleoni, L. (2008). The influence of caregiver burden on sexual intimacy and marital satisfaction in couples with an Alzheimer spouse. *Journal of Clinical Practice*, *62*(1), 47-52.

Tse, W. S., & Yip, T. H. (2009). Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being: Implication for interpersonal theory of depression. *Personality and Individual Differences*, *46*(3), 365-368.

Vito, D. (1999). *Affective self-disclosure, conflict resolution and marital quality*. Doctoral dissertation. University of Ottawa.

Volsky, A. J. (1998*). Intimacy, marital satisfaction, and sexuality in mature couples*. Concordia University.

Waring, E. M. , Holden, R. R. , & Wesly, S. (1998). Development of the marital self-disclosure questionnaire. *Journal of Clinical Psychology*, *54*(6), 817-824.

Worthington, E. L. (1998). *Dimension of forgiveness*. Radnor: Templeton Foundation Press.

Worthington, E. L., & Wade, N. G. (1999). The psychology of unforgiveness and implications for clinical practice. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 18, 358-418.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.3.6.3]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-31]